

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۵، ویژه علوم اجتماعی

بررسی حقوق مخاطب از منظر رسول اکرم ﷺ

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۱۷

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۲۱

مریم عالی زاده*

چکیده

در فرایند ارتباطات، هیچ چیز مهمتر از کسب اعتماد مخاطبان و ایجاد اعتماد نسبت به رسانه‌ها نیست. یکی از مواردی که این اعتماد را بیشتر کرده و به برقراری این ارتباط کمک می‌کند، در نظر گرفتن حقوق مخاطب است.

در این مقاله ابتدا به بررسی جایگاه انسان در اسلام و اهمیت و شأنی که انسان در اسلام دارد می‌پردازیم و سپس به بررسی حقوق این انسان به عنوان مخاطب، از منظر رسول اکرم ﷺ پرداخته‌ایم. در نتیجه رعایت این حقوق در جامعه می‌تواند اثراتی مثل ایجاد همدلی، صمیمیت، رعایت احترام متقابل و... شود که همه این موارد می‌تواند مسیر هموارتری را برای رشد و کمال در جامعه ایجاد نماید.

واژه‌های کلیدی: مخاطب، حقوق، حقوق مخاطب، پیامبر اکرم ﷺ، انسان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانش‌آموخته ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

مخاطب مؤلفه اصلی هر فرایند ارتباطی است. در نظریه‌های مختلف، مخاطب جایگاه‌های متفاوتی دارد در برخی دیدگاه‌ها مخاطب مصرف کننده، در برخی مشتری و در برخی دیگر هدف می‌باشد. از آنجایی که در نظرگاه اسلام انسان از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است می‌خواهیم بدانیم که در نظام ارتباطی اسلام با توجه به آموزه‌های نبی مکرم اسلام ﷺ، چه جایگاه و حقوقی برای مخاطب در نظر گرفته شده است و رعایت این حقوق چه تأثیراتی در نوع و کیفیت ارتباطات اجتماعی می‌تواند داشته باشد از این رو شناسایی، استخراج و توضیح حقوق مخاطب از دیدگاه اسلام با محوریت روایات نبوی هدف و مقصود اصلی این مقاله خواهد بود.

حقوق:

برای آنکه کسی حقی داشته باشد، باید وظیفه و تکلیفی مطابق با آن بر دوش دیگری یا دیگران گذاشته شود چه به صورت خاص و چه به صورت عام. حق ممکن است مربوط به انجام دادن کاری یا مالکیت چیزی یا برخورداری از چیزی (حتی چیزهای انتزاعی مانند احترام باشد) و وظایف متناظر با این حقوق ممکن است مدارا کردن با فعالیتها، خودداری از تعدی به مالکیت، و ارائه امتیاز یا پاسخ باشد، و حقوق قانونی یعنی حقوقی که قانون آن را به رسمیت می‌شناسد. کسانی که حقوق اخلاقی را پشتوانه ادعاهای خود می‌کنند معتقدند که ادعاهای آنها در یک محکمه اخلاقی فرضی به تأیید رسیده است.

این پرسش پیش می‌آید که حقوق را برچه مبنایی می‌توان وضع کرد. پاسخ سنتی این است که آدمیان دارای «حقوق طبیعی» هستند. جان لاک معتقد بود که افراد بشر

حتی در «وضع طبیعی» موجودات اخلاقی‌اند و با دست کشیدن از این وضع طبیعی آنها فقط قدرت محدودی را به حکومت‌هایی که مستقر ساخته‌اند تفویض می‌کنند.

بر همین اساس ملدن (Melden, 1959) مدعی است که پدر حق دارد از پسر خود انتظار احترام داشته باشد، و به همین قیاس، بعضی مدعی‌اند که گروه دارای حق وفاداری اعضایش است و دولت حق دارد خواهان وفاداری شهروندان خود باشد (باتامور، ۱۳۹۲، ص ۳۹۹).

مخاطب:

اگر چرخه ارتباط را به رابطه بین فردی محدود کنیم، دو فرد که در حال گفتگو با یکدیگر هستند، آنکه حرف می‌زند فرستنده و آنکه گوش می‌دهد گیرنده و آنچه بین آنها رد و بدل می‌شود پیام نامیده می‌شود. در رابطه بین فردی از آنجا که نوع ارتباط افقی است جایگاه گیرنده و فرستنده قابل تغییر است به سخن دیگر منبع می‌تواند به مخاطب و یا به عکس مخاطب می‌تواند به منبع تبدیل شود. طبق تحلیل فوق، مخاطب کسی است که در یک حرکت خطی از منبع ارسال پیام در انتهای همه فرآیندهای ارسال پیام قرار دارد. برای روزنامه مخاطب همان خواننده است، برای رادیو، شنونده و برای تلویزیون و سینما بیننده و تماشاگر. (حسینی اسفیدوجانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷)

جایگاه انسان از دیدگاه اسلام در نظام هستی:

مخاطب ما، قبل از داشتن هرگونه جایگاه و موقعیتی یک انسان است و از این رو لازم است که قدری به اهمیت و جایگاهی که انسان در نظرگاه اسلام دارد توجه شود و پس از آن به این موضوع بپردازیم که این انسان در جایگاه مخاطب دارای چه حق و حقوقی از منظر رسول گرامی اسلام می‌باشد.

۱. جایگاه خلیفه الهی

زمانی که از جایگاه و منزلت آدمی در جهان هستی سخن می‌گوئیم، مراد و مقصود، تعیین منزلت و ارزشهای معنوی و اخلاقی او می‌باشد. با بررسی آیات قرآن کریم با سه مفهوم روبه‌رو می‌شویم که می‌توانند معرف جایگاه و منزلت انسان باشند:

یکی از مهمترین جایگاه‌هایی که انسان در نظام اسلامی دارد این است که ما معتقدیم که خلیفه الهی بر روی زمین، انسان است و نه موجود دیگری. (همان، ص ۱۴۰) در قرآن کریم در داستان آفرینش حضرت آدم آمده است:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (سوره بقره، آیه ۳۰) «و چون

پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین، جانشینی خواهم گماشت...»

که در این آیه اشاره به جانشینی و خلافت حضرت آدم شده است.

مصدق این خلیفه در درجه نخست و براساس ظاهر آیه حضرت آدم است. اما برپایه برخی احادیث و نیز صدق عنوان خلیفه و حجت خدا بر معصومان، فرزندان معصوم حضرت آدم نیز خلیفه خواهند بود. اما از آنجا که خلیفه خداوند در روی زمین از نوع انسان و نه دیگر موجودات برگزیده شده، اجمالاً بر کرامت نوع انسان دلالت می‌کند. (برنجکار، خدایاری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵)

۲. کرامت ذاتی انسان:

ما معتقدیم یکی دیگر از ویژگی‌هایی که مختص انسانها بوده و از آن برخوردار هستند کرامت ذاتی می‌باشد. کرامت ذاتی ضد دنائت و پستی است و کریم کسی است که از نزاهت و فضیلت و بزرگی برخوردار است. در قرآن شریف، خداوند و قرآن و ملائکه و پیامبر ﷺ و متقین با صفت «کرامت» ستوده شده‌اند.

در آیه ۷۰ سوره اسراء، همه انسانها مورد تکریم خداوند قرار گرفته‌اند:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (سوره اسراء، آیه ۷۰)»

«به راستی ما فرزندان، آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»

باید توجه داشت که این کرامت عام، کرامت ذاتی است و نه اکتسابی کرامت ذاتی عمومیت داشته و شامل همه انسانها می‌شود.

۳. انسان موجودی آزاد و مختار است:

یکی دیگر از جایگاه‌هایی که انسان در نظام هستی اسلامی دارد برخوردار از آزادی و اختیار است به این معنا که انسان می‌تواند از میان راه‌ها و کارهای متعددی که پیش روی اوست، با بررسی و سنجش، یکی را برگزیند و تصمیم بر انجام آن بگیرد. (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰)

در آیات فراوانی، بر وجود چنین اختیاری تأکید شده است.

۱- آیاتی که به صراحت، اختیار انسان را مطرح می‌کنند؛ مانند:

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (سوره کهف، آیه ۲۹)»

«بگو حق [قرآن] از سوی خداوندگار توست پس هرکس می‌خواهد ایمان آورد و هرکس می‌خواهد

کافر شود.»

و یا می فرمایند:

«إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (سوره انسان، آیه ۳)

«ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد [و پذیرا گردد] یا ناسپاس!»

و یا در آیه‌ای دیگر می فرمایند:

«وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ» (سوره فصلت، آیه ۱۷)

«و اما ثمودیان؛ پس آنان را رهبری کردیم ولی کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند.»

بنابراین با مراجعه به متون دینی و دقت در مضمون آیات و روایات، اندیشه مختاربودن آدمی را می‌تواند تأیید کرد معنای این سخن آن نیست که انسان مختار محض است و هیچ عامل و قدرتی نمی‌تواند بر رفتار و اعمال او تأثیر و حاکمیت داشته باشد، بلکه منظور آن است که علی‌رغم همه عوامل و شرایط و با حفظ حاکمیت قدرت و اراده الهی، بشر قادر به انجام افعالی است که اگر اراده می‌کرد می‌توانست آنها را انجام ندهد و به گونه‌ای دیگر رفتار کند.

پس انسان مسئولیت اعمال ارادی خویش را برعهده دارد و جبر مطلق بر او حکمفرما نیست از این رو نمی‌تواند فردی منفعل و بی‌اراده باشد.

مصادیق رعایت حقوق مخاطب از منظر رسول اکرم ﷺ

در این قسمت به حقوقی اشاره می‌کنیم که در آموزه‌های نبی مکرم اسلام برای

مخاطب در نظر گرفته شده است.

۱. حفظ آبروی مخاطب

یکی از اموری که در اسلام سفارش زیادی به آن شده است رعایت و حفظ آبروی افراد می‌باشد. حفظ آبروی مخاطب چه در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی یکی از اصلی‌ترین حقوقی است که باید در حق مخاطب رعایت شود.

«وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ (شهید

ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۲۷)

«همه چیز مسلمان خون و آبرو و مال او بر مسلمان حرام است.»

پیامبر اسلام می‌فرماید:

«من ردّ عن عرض أخيه ردّ الله عن وجهه التار(پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۶۹،

حدیث ۳۰۱۴)»

«هر که از آبروی برادر خویش دفاع کند خدا آتش را از چهره وی باز دارد.»

رعایت آبروی افراد حتی در غیاب آنها نیز لازم و ضروری است.

پیامبر اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرمایند:

«من ذبّ عن عرض أخيه بالغيبه كان حقاً على الله أن يقيه من التار(همان،

حدیث ۳۰۰۷)»

«هر که در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع کند بر خدا واجب است که او را از جهنم

مصون دارد.»

حفظ آبروی مؤمن به قدری دارای اهمیت است که خداوند حتی دوست ندارد که

آبروی افراد حتی نزد افراد بزرگی همچون حضرت رسول ﷺ فاش شود. در این باره

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«سألت الله أن يجعل حساب أمتي إليّ لئلا تفتضح عند الامم، فأوحى الله

عزّ و جلّ إليّ: يا محمد بل أنا أحاسبهم فإن كان منهم زلة سترتها عنك لئلا

تفتضح عندك(پاینده، ۱۳۸۲، حدیث ۱۷۱۵)»

«از خدا خواستم که حساب امت مرا بمن واگذارد تا پیش امتهای دیگر رسوا نشود، پس خدای عز و جل بمن وحی کرد ای محمد نه، بلکه من حسابشان را میرسم و اگر گناهی از آنها سر زده از تو پوشیده می دارم که پیش تو نیز رسوا نشوند.»

۲. حفظ امنیت و آرامش مخاطب:

یکی از مسائلی که لازم است در مورد مخاطب رعایت شود حفظ امنیت و آرامش مخاطب می باشد. در واقع مخاطب این حق را دارد که در حضور خطیب از آرامش و امنیت لازم برخوردار باشد و نباید مورد آزار و رنج واقع شود.

پیامبر در این زمینه می فرماید:

«أَلَا إِنَّ شِرَارَ أُمَّتِي الَّذِينَ يُكْرَمُونَ مَخَافَةَ شَرِّهِمْ أَلَا وَمَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتَّقَاءً

شَرَّهُ فَلَيْسَ مِنِّي (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۴)

«آگاه باشید بدترین مردم در امت من کسانی هستند که از ترس آزارشان مورد احترامند. آگاه باشید کسی را که مردم از ترس شرش احترام کنند از من نیست و با من بستگی روحانی ندارد.»

همچنین می فرمایند:

«من أذى مسلما فقد أذاني ومن أذاني فقد أذى الله (پاینده، ۱۳۸۲، حدیث

۳۰۳۷)»

«هر که مسلمانی را آزار کند مرا آزار کرده و هر که مرا آزار کند خدا را آزار کرده است.» این مسأله حتی در مورد نوع نگاه به مخاطب نیز گوشزد شده و به رعایت آن توصیه

شده است:

«ما يحلّ لمؤمن أن يشتدّ إلى أخيه بنظرة تؤذيه (همان، حدیث ۲۶۹۹)»

«روا نیست که مؤمنی برباد خویشتن به تندی نظر کند که مایه آزار او شود.»

و در جایی دیگر نیز در مورد عدم نگاه ملالت آور می فرمایند:

«لا تديموا النظر الى اهل البلاء والمجدومين فانه يحزنهم (فرید، ۱۳۶۵، ج ۳،

ص ۳۲۷)

«به مردم بلازده و جذامی، چشم خود را ندوزید و نگاه طولانی نکنید که باعث ملال و آزرده‌گی آنان می‌شود.»

۳. آسانگیری بر مخاطب و عدم سختگیری:

یکی دیگر از مواردی که در مورد مخاطب باید رعایت شود، آسانگیری بر مخاطب و عدم سختگیری بر وی است. پیامبر سفارش‌های زیادی در این زمینه داشته‌اند از جمله می‌فرمایند:

«من کان سهّلاً هیناً لئنا حرّمه الله علی التّار(پاینده، ۱۳۸۲، حدیث ۲۹۱۱)»

«هر که آسانگیر و نرم و ملایم باشد خدا او را بجهنم حرام کند.»

پیامبر خدا در مورد رسالت خویش چنین می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْنِي مَعْتَنَا وَلَا مَتَعْتَنَا وَلَا لَكُنْ بَعَثَنِي مَعْلَمًا مَبْسُورًا(همان،

حدیث ۷۲۵)»

«خداوند مرا اشکال گیر و اشکال تراش نفرستاده بلکه آموزگار و آسانگیر فرستاده است.»

این عدم سخت‌گیری نه تنها در برابر افراد جامعه بلکه در برابر افراد خانواده نیز باید

رعایت و مورد توجه قرار گیرد.

پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ فَتَّرَ عَلَى عِيَالِهِ(ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج

۱، ص ۲۵۵)»

«هر کس خدا بدو گشایش دهد و باز بر عیال خود سخت‌گیرد از ما نیست.»

همچنین می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ أُمَّتِي شَيْنَا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشَقِّ عَلَيْهِ وَمِنْ وَلِيٍّ مِنْ أُمَّرِ

أُمَّتِي شَيْنَا فَرَفَقْ بِهِمْ فَارْفَقْ بِهِ»(همان، حدیث ۵۳۰)

«خدا یا هر کس عهده دار کار امت من شد و بر آنها سخت گرفت بر او سخت گیر و هر کس عهده دار کار امت من شد و با آنها مدارا کرد با او مدارا کن.»

۴. رعایت احترام مخاطب:

یکی از حقوقی که لازم است در برابر مخاطب رعایت شود، رعایت احترام مخاطب و ارزش قائل شدن برای شخصیت اوست. رسول خدا ﷺ حق هم مجلسی‌های خویش را به شایستگی ادا می‌کرد به گونه‌ای که کسی از آنان احساس نمی‌کرد که دیگری نزد پیامبر ﷺ محترم‌تر از او می‌باشد و با هر شخص که می‌نشست صبر می‌کرد و منتظر می‌ماند تا خود آن شخص برخیزد. (طباطبایی، بی‌تا، ص ۷۶)

«پیامبر اسلام در این زمینه می‌فرماید:

«لیس منّا من لم یوقّر الکبیر و یرحم الصّغیر و یأمر بالمعروف و ینه عن المنکر(پاینده، حدیث ۲۴۱۶)»

«هر که بزرگتر را محترم ندارد و به کوچکتر رحم نکند و به نیکی و اندازد و از بدی باز ندارد از ما نیست.»
و یا در جایی دیگر می‌فرماید:

«ردّ جواب الكتاب حقّ کرّة السلام(همان، حدیث ۱۶۶۱)»

«جواب نامه نیز مانند جواب سلام لازمست.»

که این خود به نوعی احترام به مخاطب و ارزش قائل شدن برای او محسوب می‌شود.

در مورد سیره پیامبر آمده است:

«کان رسول الله یقسم لحظاته بین اصحابه ینظر الی ذا و ینظر الی ذا

بالسویه(فرید، ج ۱، ص ۳۷۳)»

«برای حفظ احترام تمام مردم، رسول اکرم در مجالس عمومی نگاه‌های مودت آمیز خود را بالسویه متوجه کلیه حضار می‌فرمود.»

همچنین:

«كَانَ يُكْرِمُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ حَتَّى رُبَّمَا بَسَطَ ثَوْبَهُ وَ يُؤَرِّ الدَّاخِلَ بِالْوِسَادَةِ الَّتِي

تَحْتَهُ (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۴۷)»

«هرگاه کسی بر پیامبر وارد می شد پیغمبر به او احترام می نمود چه بسا که عبای خود را به جای فرش زیر پای او می گسترانید و بالشی که تکیه گاه خودش بود به او می داد.»

۵. وفای به عهد:

یکی از حقوقی که در اسلام بسیار به آن سفارش شده است وفای به عهد است. قرآن کریم در آیات متعددی به این موضوع پرداخته است. جملات «أوفوا بالعقود»، «أوفوا بعهد الله» و «لاتنفضوا الأیمان» به صراحت به این موضوع پرداخته اند. پیامبر نیز به خوبی به این خطابات قرآنی اشاره و عمل کرده اند (جمعی از محققان، ۱۳۸۷، ص ۷۰)

پیامبر اسلام می فرمایند:

«لا تحقرنَّ من المعروف شيئا و لا تواعد على أخيك موعدا فتخلفه (پاینده،

حدیث ۲۴۴۳)»

«هیچ کار نیکی را حقیر مشمار و با برادر خود خلف وعده مکن.»

و در جایی دیگر می فرمایند:

«ليس للدين رواد إلا القضاء و الوفاء و الحمد (همان، حدیث ۲۴۰۶)»

«دین طلایه دار ندار مگر وظیفه شناسی و وفا و حمد.»

حتی این موضوع در مورد کودکان نیز باید رعایت شود چه بسا که اثرگذاری آن

بیشتر باشد. پیامبر می فرمایند:

« لا يعد الرجل صبيته لا يفى له... (همان، حدیث ۹۹۹)»

«انسان نباید بطفل خود وعده دهد و وفا نکند...»

و در جایی، یکی از معیارهای مهم دینداری را رعایت عهد و پیمان بیان می کنند و

می فرمایند:

«لا إيمان لمن لا أمانة له و لا دين لمن لا عهد له (ابن اشعث، بی تا،

ص ۳۶»

«هر که امانت ندارد ایمان ندارد و هر که پیمان نگه ندارد دین ندارد.»
و باز در جایی دیگر در مورد اهمیت وفای به عهد می‌فرماید:

«خمس هنّ من قواصم الظّهر: عقود الوالدین و المرأه یا تمنها زوجها تخونه
و الإمام یطیعه الناس و یعصى الله و رجل وعد عن نفسه خیرا فأخلف و
اعتراض المرء فی أنساب الناس (پاینده، حدیث ۱۴۶۴)»

«پنج چیز کمر شکن است، بد- رفتاری با پدر و مادر و زنی که شوهرش بدو اطمینان
دارد ولی بدو خیانت کند و پیشوائی که مردم او را اطاعت کنند ولی او خدا را اطاعت
نکند و مردی که وعده دهد و تخلف کند و بد گوئی شخص در باره نسب مردم.»

ع عدم فریب مخاطب:

یکی از حقوق مهمی که باید در برابر مخاطب رعایت شود رعایت صداقت و عدم
فریب مخاطب است. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می‌فرماید:

«لیس منّا من غشّ مسلما أو ضرّه أو ما کره (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲،
ص ۲۴۲)»

«هر که با مسلمانی تقلب کند یا باو ضرر رساند یا با وی حيله کند از ما نیست.»

پیامبر برای تأکید بر این موضوع می‌فرماید:

«لا یدخل الجنة حبّ و لا بخیل (پاینده، حدیث ۲۵۳۰)»

«حيله گر و بخیل به بهشت نمی‌روند.»

همچنین در مورد عدم فریب مخاطب می‌فرماید:

«إذا خطب أحدکم المرأه و هو یخضب بالسّواد فلیعلمها أنه یخضب (همان،

حدیث ۲۰۲)»

«اگر کسی زنی را خواستگاری کرد و موی خود را رنگ میندازد باید بدو خبر دهد که
موی خود را رنگ می‌بندد.»

۷. عدم تحقیر مخاطب:

یکی دیگر از نکاتی که باید در روابط اجتماعی مدنظر قرار گیرد رعایت حق شخصیت افراد و عدم تحقیر افراد است. پیامبر اسلام می‌فرماید:

«أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹۶)

«خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«حسب امرئ من الشَّرِّ أَنْ يَحْقُرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ (پاینده، حدیث ۲۱۶۶)»

«برای مرد همین شر بس که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند.»

و باز در مورد عدم تحقیر افراد می‌فرماید:

«لَا تَحْقِرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَانْ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ (فرید، ج ۱، ص

۳۷۳)»

«هیچ یک از مسلمین را تحقیر نکنید و کوچک شمارید زیرا مسلمانی که در نظر شما

کوچک است نزد خداوند بزرگ است.»

۸. امر به معروف و نهی از منکر:

از دیگر حقوقی که می‌توان به عنوان حقوق مخاطب مورد توجه و رعایت قرار داد امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. به این معنا که اگر می‌توانیم خیری را به مخاطب برسانیم و بگوییم باید این کار را انجام دهیم و اگر می‌توانیم شر و یا منکری را از او دور کنیم باید این حق را در مورد او رعایت کنیم.

پیامبر در این زمینه می‌فرماید:

«مروا بالمعروف و إن لم تفعلوه و انهوا عن المنکر و إن لم تجتنبوه

کَلَّه (پاینده، حدیث ۲۷۳۷)»

«امر به معروف کنید و گر چه خودتان نکنید و نهی از منکر کنید گر چه از همه آن

اجتناب نکنید.»

البته باید توجه داشت که در انجام امر به معروف و نهی از منکر باید به آبروی افراد توجه شود تا خدای نکرده لطمه‌ای به آبروی آنها وارد نشود.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«من کان آمرا بمعروف فلیکن أمره ذلک بمعروف (قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۱۹۰)»

«هر که به نیکی وادار کند همین وادار کردنش نیز به نیکی باشد.»

پیامبر ﷺ در جایی دیگر می‌فرماید:

«من رأی منکم منکرا فلیغیره بیده فإن لم یستطع فیلسانه فإن لم یستطع

فقلبه و ذلک أضعف الإیمان (پاینده، حدیث ۳۰۱۰)»

«هر کس از شما ناشایسته‌ای ببیند به دست خویش مانع آن شود و اگر نتواند به زبان و

اگر نتواند بدل مانع شود که حد اقل ایمان همین است.»

اثری که امر به معروف و نهی از منکر دارد تنها یک تأثیر فردی نیست بلکه تأثیر آن

به کل جامعه برمی‌گردد و در واقع می‌توان گفت که این حقی است که به کل جامعه

ارتباط پیدا می‌کند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«لتأمرنّ بالمعروف و لتنهونّ عن المنکر أو لیسلمنّ الله علیکم شرارکم فیدعو

خیارکم فلا یستجاب لهم (همان، حدیث ۲۲۱۸)»

«به نیکی وادارید و از بدی باز دارید و گر نه خدا بدانتان را بر شما مسلط کند و نیکانتان

دعا کنند و استجابشان نکنند.»

۹. رعایت امانت مخاطب

یکی از اموری که در فرهنگ دینی ما به آن توصیه شده است رعایت امانت و

امانتداری است. که البته این موضوع تنها در امور مالی مطرح نیست بلکه در روابط

اجتماعی هر چیزی که حفظ آن لازم و رعایت حریم آن ضروری باشد، امانتداری از آن

لازم است حتی اگر سخنی که انسان در مجلسی از کسی شنیده است و او تصریح نکرده

که به دیگران گفته نشود ولی از قرائن معلوم است که از افشای آن خرسند نیست باید امانت درباره آن سخن رعایت شود. (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۸۶)

بنابراین یکی دیگر از حقوقی که در رابطه با مخاطب باید رعایت شود رعایت امانت مخاطب است. (چه امانت مادی چه امانت غیر مادی).

پیامبر ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

«إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِحَدِيثٍ تَمَّ التَّفْتُ فَهِيَ أَمَانَةٌ (همان، حدیث ۱۹۷)»
«وقتی مردی سخنی گفت و به اطراف خود نگریست آن سخن در پیش شما امانت است.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«أَدُّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكَ، وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۳۱۲)»

«با کسی که تو را امین می‌داند به امانت رفتار کن و با کسی که بتو خیانت کرده است خیانت مکن»

رعایت امانت فقط مخصوص افراد مسلمان نیست و این حق باید در مورد افراد غیر مسلمان نیز رعایت شود. پیامبر ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

«ثَلَاثٌ لَيْسَ لِأَحَدٍ النَّاسِ فِيهِ رِخْصَةٌ: بَرُّ الْوَالِدَيْنِ مُسْلِمًا كَانُوا كَافِرًا وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِمُسْلِمٍ أَوْ كَافِرٍ وَالْأَمَانَةَ إِلَى مُسْلِمٍ كَانُوا كَافِرًا (پابنده، حدیث ۱۲۶۴)»

«سه چیز است که هیچ کس به ترک آن مجاز نیست، نیکی با پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر وفای بعهد برای مسلمان یا کافر و رد امانت چه مسلمان باشد یا کافر.»
و در جایی معیار ایمان بنده را به رعایت امانت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

«هر که امانت ندارد ایمان ندارد و هر که پیمان نگه ندارد دین ندارد.»

۱۰. رعایت حریم مخاطب:

اسلام حتی برای حریم افراد نیز حقوقی قائل است. پیامبر اسلام می‌فرماید:

«لا تجلسوا بين رجلين إلا ياذنهما(پاینده، حدیث ۲۴۳۹)»

«میان دو کس جز با اجازه آنها نشینید.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«إذا كان اثنان يتناحيان فلا تدخل بينهما(همان، حدیث ۲۳۰)»

«وقتی دو تن آهسته سخن می‌گویند میان آنها داخل مشو.»

۱۱. رعایت حال مخاطب:

یکی از اموری که در مورد مخاطب باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت حال وی به مقتضای شرایط است به گونه‌ای که نباید هیچ‌گونه رنجش خاطر و ناراحتی برای مخاطب ما از سوی رفتاری که انجام می‌دهیم به وجود آید. در این زمینه پیامبر اسلام می‌فرماید:

«إذا كنتم ثلاثة فلا يتناجى رجلان دون الآخر حتى تختلطوا بالناس فإن ذلك

یحزنه(پاینده، حدیث ۲۳۶)»

«وقتی سه تن با همید دو تن از شما با هم آهسته سخن نگویند، تا با دیگران مخلوط

شوید زیرا این کار ویرا غمگین می‌کند.»

پیامبر گرامی اسلام در مورد کسی که با وی هم مسیر می‌شد اینگونه عمل می‌

کردند:

«موقعی که رسول اکرم سواره حرکت میکرد اجازه نمی‌داد کسی با او پیاده راه برود

مگر آنکه او را به ترک خود سوار کند و اگر پیاده از سوار شدن خودداری می‌نمود به وی

می‌فرمود شما پیشتر بروید تا در مکان مورد نظر یکدیگر را ملاقات کنیم.» (فرید، ج ۲،

ص ۶۹)

۱۲. رعایت رازداری:

در زندگی همه انسانها، رازهایی هست که هیچ انسانی مایل نیست آشکار شود و اگر

در برخی از شرایط، ناخواسته، فردی به سری از اسرار کسی آگاهی یابد، آن شخص

دوست ندارد که با بازگویی و افشاگری، دیگران از آن سر آگاه شوند. این حق طبیعی و

مشروع هرانسانی است که خواهان مخفی بودن اسرار زندگی شخصی اش باشد و وظیفه شرعی و عقلی دیگران است که به این حق احترام بگذارند.

آموزه‌های اسلام، به ویژه دستورهای اجتماعی اش که برخاسته از فطرت و منطبق با آن است، بر این موضوع مهم تأکید فراوان دارد (رضایی، ۱۳۶۳، ص ۲۹)

پیامبر اسلام در این زمینه می‌فرماید:

«من ستر علی أخیه ستره الله فی الدنیا و الآخرة (قضاعی، ص ۱۹۵)»

«هر که پرده پوش برادر خویش شود خدا در دنیا و آخرت پرده پوشی وی کند.»

۱۳. رعایت انصاف و عدالت:

عدالت از فضایل مهم اخلاقی است که پایه و اساس بسیاری از فضایل است، زیرا انسان عادل در پرتو ملکه عدالت با کاربرد صحیح گفتارها و رفتارها آشنا می‌شود و گاه با یک انتخاب صحیح می‌تواند به مقام عادل‌ترین افراد دست یابد. (همان، ص ۵۹)

رسول گرامی اسلام، در این زمینه می‌فرماید: «تواضع للمحسن إلیک و إن کان عبدا

حبشیًا و انتصف ممّن أساء إلیک و إن کان حزا قرشیًا (همان، حدیث ۱۱۸۴)»

«هر که با تو نیکی کند با وی متواضع باش و گر چه برده حبشی باشد و انصاف بورز

با هر که با تو بدی کند گر چه آزاد قرشی باشد.»

همچنین می‌فرماید:

«أعدل التّاس من رضی للتّاس ما یرضی لنفسه و کره لهم ما کره

لنفسه (همان، حدیث ۳۴۰)»

«عادلتر از همه مردم کسی است که آنچه برای خود پسندد برای مردم نیز پسندد و

آنچه بر خود روا ندارد بر مردم روا ندارد.»

۱۴. حق نگاه:

یکی از حقوقی که در روابط اجتماعی بر رعایت آن تأکید شده است رعایت حق نگاه است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرمایند:

«من أكل و ذو عينين ينظر إليه و لم يواسه ابتلى بلاء لا دواء له(همان،

حدیث ۲۷۷۷)»

«هر که غذا خورد و دیگری بدو نگرد و چیزی بدو ندهد به بلائی مبتلا شود که دوا نداشته باشد.»

۱۵. رعایت خوشرویی و خوش خلقی در برابر مخاطب:

پیامبر گرامی اسلام یکی از رموز قوام و استحکام روابط اجتماعی و داشتن زندگی آرام و سالم را برخورداری از حسن خلق و اخلاق نیکو می‌داند، و در واقع یکی دیگر از حقوقی که بر ما لازم است نسبت به مخاطبانمان رعایت کنیم خوش خلقی و خوشرویی است.

پیامبر اسلام در این زمینه می‌فرمایند:

«رأس العقل بعد الإيمان بالله الحياء و حسن الخلق(ابوالقاسم پاینده،

حدیث ۱۶۳۸)»

«اساس عقل پس از ایمان به خدا حیا و نیکخوئی است.»

و نیز می‌فرمایند:

«أفضل الأعمال أن تدخل على أخيك المؤمن سرورا أو تقضى عنه

دینا(همان، حدیث ۳۸۶)»

«بهترین کارها آنست که برادر مؤمن خویش را خوشحال سازی یا قرض او را

بپردازی.

و در جایی دیگر می‌فرمایند:»

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْمَعْبُوسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ (همان، حدیث ۷۴۰)»

«خداوند کسی را که در مقابل برادران خود عبوس باشد دشمن دارد.»

و نیز می‌فرماید:

«إِتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئاً وَ لَوْ أَنْ تَفْرُغَ مِنْ دَلُوكَ فِي إِنْاءِ

الْمُسْتَسْقَى وَ أَنْ تُلْقِيَ أَخَاكَ وَ وَجْهَكَ إِلَيْهِ مُنْبَسِطاً (همان، حدیث ۳۵)»

«از خدا بترس و هیچ کار نیکی را حقیر مشمار گر چه کار نیک منحصر باین باشد که

دلو خویش را در ظرف تشنه‌ای بریزی و برادر خود را با روی گشاده ملاقات کنی.»

حتی هنگام سلام کردن و آغاز سخن نیز لازم است که این کار با خوشرویی باشد،

پیامبر اسلام می‌فرماید:

«مَنْ الصَّدَقَةَ أَنْ تَسَلَّمَ عَلَى النَّاسِ وَأَنْتَ تَلْقَى الْوَجْهَ (همان، حدیث ۳۰۶۸)»

«از جمله صدقه اینست که بمردم سلام کنی و گشاده رو باشی.»

و باز در این رابطه می‌فرماید:

«إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ وَ لَكِنْ سَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ (همان، حدیث

۸۷۷)»

«مال شما به همه مردم نمی‌رسد پس با اخلاق خود همه را خرسند کنید.»

۱۶. جبران کردن خوبی‌ها:

جبران کردن و تلافی کردن خوبی‌ها و نیکی‌ها در فرهنگ دینی ما بسیار توصیه

شده است. حتی اگر نتوانیم به صورت مادی از کسی که در حق ما خوبی کرده

سپاسگزاری کنیم. باید به لحاظ کلامی جبران خوبی طرف مقابل را بنمائیم.

پیامبر اسلام در این زمینه می‌فرماید:

«مَنْ أَوْلَىٰ مَعْرُوفًا فَلْيَكْفِ بِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَذْكُرْهُ فَإِنْ ذَكَرَهُ فَقَدْ

شَكَرَهُ (قضاعی، ص ۲۰۱)»

«هر که نیکی ببند آن را تلافی کند و اگر نتواند آن را یاد کند که اگر یاد کند شکر آن

گذارده است.»

همچنین می‌فرمایند:

«من أولى معروفاً فلم يجد جزاء إلا الثناء فقد شكره و من كتمه فقد

كفره (همان، ص ۲۰۱)»

«هر که نیکی‌ای بیند و پاداشی جز ستایش نتواند کند شکر آن گذاشته است و هر که

آن را پنهان دارد کفران آن کرده است.»

همچنین می‌فرمایند:

«من أتى إليكم معروفًا فكافئوه فإن لم تجدوا فادعوا له (قضاعي، ص ۱۶۷)»

«هر که با شما نکوئی کرد عوض دهید و اگر نتوانید برای او دعا کنید.»

۱۷. طلب خیر برای مخاطب:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که به تصریح قرآن کریم در اوج خیرخواهی و دلسوزی به امت

است، به آنان نیز این مهم را دستور داده است. (رضایی، ص ۴۷)

پیامبر اسلام در حدیثی می‌فرمایند:

«رأس الدین التَّصِيحَةُ لِلَّهِ و لدینہ و لرسولہ و لکتابہ و لأئمة المسلمین و

للمسلمین عامَّة (پابنده، حدیث ۱۶۳۴)»

«اساس دین خیر خواهی برای خدا و دین خدا و پیغمبر خدا و کتاب خدا و پیشوایان

مسلمانان و همه مسلمانانست.»

و در جایی دیگر می‌فرمایند:

«أطلب العافیة لغيرك ترزقها فی نفسک (همان، حدیث ۳۲۶)»

«عافیت را برای دیگران بخواه تا نصیب تو شود.»

پیامبر نه تنها به خیرخواهی برای افراد توصیه نموده‌اند بلکه می‌فرمایند در صورتی

که خیری در برادراتان مشاهده کردید از خداوند بخواهید که او را برکت و فزونی دهد.

«إذا رأى أحدكم من نفسه أو ماله أو من أخيه ما يعجبه فليدع له بالبركة فإنَّ

العین حقّ (همان، حدیث ۲۰۶)»

«وقتی یکی از شما از خود یا مال خود یا برادر خود چیز جالب توجهی دید برای وی به

دعا برکت خواهد زیرا چشم (زخم) حق است.»

همچنین در مورد طلب خیر و نیکی برای افراد می‌فرمایند:

«رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ - وَ اضْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ

فَاجِرٍ (امام علی بن موسی الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۵۲)»

«پس از ایمان به خداوند سرآمد تمام اعمال عاقلانه، بشر دوستی و نیکی به همه مردم است خواه خوب و درستکار باشند یا فاسق و گناهکار.»

۱۸. عدم تهمت و عیب جویی:

یکی دیگر از کارهای ناپسندی که خداوند افراد را از آن نهی کرده و جزای اخروی

برای آن قرار داده تهمت و عیب جویی از دیگران است. پیامبر اسلام می‌فرمایند:

«من ذکر إمرأ بما ليس فيه ليعيبه حسبه الله في نار جهنم حتى يأتي بنفاز ما

قال (پاینده، حدیث ۳۰۰۸)»

«هر که به عیب جوئی کسی را بصفتی که در او نیست یاد کند خدا او را در آتش جهنم محبوس دارد تا گفته خویش را معلوم کند.»

همچنین می‌فرمایند:

«مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا وَ مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى

يَرْكَبَهُ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۴۰۴)»

«هر که عمل بدی را شایع کند چون عامل آنست و هر که مؤمنی را به کاری عیب کند نمیرد تا مرتکب آن شود.»

در واقع منظور این است که حتی اگر فردی مرتکب خطا و اشتباهی است ما حق

نداریم از راه عیب گیری و سرزنش او را متوجه عیبش کنیم و باید به روشی درست و

بدون عیب جویی این کار را انجام دهیم.

پیامبر اسلام در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

«الدَّنْبُ شَوْمٌ عَلَى غَيْرِ فَاعِلِهِ إِنْ عَيَّرَهُ ابْتِلَى بِهِ وَ إِنْ اغْتَابَهُ أَثَمَ وَ إِنْ رَضِيَ بِهِ

شارکه (همان، حدیث ۱۶۲۳)»

«گناه برای غیر گناهکار نیز شوم است که اگر او را عیب کند بدان مبتلا شود و اگر غیبت او کند گناهکار شود و اگر بدان رضا دهد شریک وی باشد.»

۱۹. عدم فخرفروشی:

یکی از صفات زشتی که متأسفانه برخی از افراد در جامعه ممکن است دچار آن شوند فخرفروشی نسبت به دارایی‌ها و امکاناتی است که دارند. خداوند افراد را از این کار نهی کرده و آنها به رعایت دوستی و عدم فخرفروشی فرا می‌خواند، پیامبر اسلام در این زمینه می‌فرماید:

«ما من أحد یلبس ثوبا لیباهی به فینظر الناس إلیه إلا لم ینظر الله إلیه حتی

ینزعها(همان، حدیث ۲۶۶۴)»

«هر که جامه‌ای پوشد و بدان مباهات کند که مردم بدو نگرند خدا بدو ننگرد تا آن لباس را بکند.»

۲۰. شاد کردن مخاطب:

یکی از نشانه‌های جامعه اسلامی که بر اساس دوستی و صمیمیت شکل گرفته، این است که افراد از خودخواهی و خودبینی و خودمحوری خارج شوند و براساس دستور کلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: آنچه برای خود دوست داری برای مردم دوست بدار. در زمینه شادی و خوشحالی نیز شادمان کردن دیگران را یک اصل و وظیفه تلقی کنند.(رضایی، ص ۳۴)

پیامبر اسلام در این زمینه می‌فرماید:

«من أفضل العمل إدخال السرور علی المؤمن تقضی عنه دینا، تقضی له

حاجه، تتفس له کربه(پاینده، حدیث ۳۰۴۰)»

«از بهترین عمل‌ها خوشحال کردن مؤمن است یعنی دین وی را ادا کنی، حاجتی از او بر آوری یا محنتی از او بر طرف کنی.»

۲۱. حق عفو و گذشت:

یکی از راههایی که باعث ایجاد دوستی و صمیمیت در جامعه شده و موجب از بین رفتن کینه و کدورت میان افراد جامعه می‌شود عذرخواهی از عمل اشتباهی است که به سهو یا به عمد صورت گرفته حال در چنین شرایطی چنانچه کسی برای عذرخواهی نزد ما آمد لازم است که عذر او را بپذیریم و از عمل او گذشت نمائیم. چراکه عذرخواهی فرد خطاکار بیانگر توجه او به اشتباهی است که مرتکب شده است. (رضایی، ص ۱۹) از این رو پیامبر اسلام می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا لَمْ يَسَلْ شَفَاعَتِي» (ابن

بابویه، ج ۴، ص ۳۵۳)

«هرکس عذر معتذری را راست باشد یا دروغ نپذیرد از شفاعت من بهرمنند نشود.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقَدْرَةِ عَلَيْهِ (پاینده، حدیث

۲۲۷)»

«وقتی بر دشمن خود قدرت یافتی بشکرانه قدرت از او در گذر»

۲۲. رعایت حقوق مخاطب در هنگام قضاوت:

یکی دیگر از مصادیق حقوق مخاطب، زمانی است که افراد در مسند قضاوت قرار می‌گیرند. در این هنگام رعایت حقوق مخاطبین بسیار ضروری و لازم است. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

«إِذَا ابْتُلِيَ أَحَدُكُمْ بِالْقَضَاءِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَقْضِ وَهُوَ غَضْبَانٌ وَ لَيْسَ بَيْنَهُمْ

فِي النَّظَرِ وَ الْمَجْلِسِ وَ الْإِشَارَةِ (همان، حدیث ۱۲۵)»

«اگر یکی از شما بکار قضاوت میان مسلمانان دچار شود باید به هنگام غضب از قضاوت خودداری کند و میان ارباب دعوی در نگاه، محل نشستن و اشاره تفاوتی قائل نشود.»

که این خود نشان دهنده رعایت حقوق مخاطب حتی در این مسائل به ظاهر جزئی می باشد. همچنین می فرماید:

«من ابتلی بالقضاء بین المسلمین فلا یرفع صوته علی أحد الخصمین إلا یرفع

علی الآخر(همان، حدیث ۲۹۸۹)»

«هر که به قضاوت میان مسلمانان مبتلا شود صدای خویش بر یکی از مدعیان بلند نکند مگر اینکه بر دیگری نیز بلند کند.»

۳۳. عدم خیانت:

یکی از مواردی که موجب جلب اعتماد و برقراری امنیت در روابط اجتماعی می شود امین بودن افراد در قبال یکدیگر و عدم خیانت نسبت به یکدیگر است. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «با کسی که تو را امین میداند به امانت رفتار کن و با کسی که بتو خیانت کرده است خیانت مکن» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴)

و باز می فرماید:

«أیما رجل استعمل رجلا علی عشرة أنفس علم أن فی العشرة أفضل ممّن

استعمل فقد غشّ الله و غشّ رسوله و غشّ جماعه المسلمین(پاینده،

حدیث ۱۰۲۹)»

«هر کس مردی را بر ده تن ریاست دهد و بداند که میان آنها کسی هست که از او برتر

است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقلب کرده است.»

حتی در مورد چیزی که به نظر کوچک و ناچیزی می آید ما حق نداریم بی تفاوت

باشیم و در مورد آن خیانت کنیم. پیامبر می فرماید:

«ردّوا المخیط و الخیاط من غلّ مخیطا أو خیاطا کلف یوم القیامه أن یجیء

به و لیس بجاء(همان، حدیث ۱۶۶۳)»

«باقی مانده نخ و پارچه را پس بدهید، هر که در پارچه و نخ خیانت کند روز قیامت بدو

گویند نظیر آن را بیاورد و او نتواند آورد.»

پیامبر ﷺ در حدیثی می فرماید:

«مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ» (نوری، ۱۴۰۸ق،

ج ۹، ص ۱۵۹)

«هر که بی اجازه برادرش در نامه او نگرد گوئی در جهنم نگریسته است.»
که این مسأله خود به نوعی خیانت در مال و حقوق برادرمان محسوب می‌شود که
باید مورد توجه قرار گیرد.

۲۴. عدم تکبر در برابر مخاطب:

یکی از صفاتی که موجب دور شدن دلها و ایجاد فاصله بین افراد می‌شود تکبر است.
از این رو خداوند افراد را از این صفت زشت نهی کرده و آنها را به رفع این صفت توصیه
می‌کند.

پیامبر اسلام می‌فرماید:

«تواضعوا و جالسوا المساكين تكونوا من كبراء الله و تخرجوا من

الكبر (پاینده، حدیث ۱۱۸۶)»

«فروتنی کنید و با فقیران بنشینید تا در پیش خدا بزرگ باشید و از تکبر برکنار مانید.»

۲۵. رفع نیاز مخاطب

یکی از کارهای پسندیده‌ای که در اسلام سفارش زیادی به آنها شده است رفع نیاز
نیازمندان و کسانی که با ما در ارتباط هستند، می‌باشد. گاهی افراد تمایلی به ابراز
نیازهایشان ندارند اما چنانچه ما متوجه نیازی در مخاطبمان شویم به لحاظ اخلاقی لازم
است که آن را رفع کنیم و این درواقع می‌تواند یکی از حقوق اخلاقی وی محسوب شود.
هرکس که برای نیازی به پیامبر خدا ﷺ رجوع می‌کرد یا نیاز و خواسته اش برآورده می
شد و یا با بیان شیوا و کلام دلنشین، آن حضرت قانع می‌شد. (طباطبایی، ص ۷۶)

پیامبر اسلام می‌فرماید: «هر مسلمانی که مسلمان برهنه‌ای را بیپوشاند خداوند از
پارچه‌های سبز بهشت بدو بیپوشاند و هر مسلمانی که مسلمان گرسنه‌ای را سیر کند

خداوند روز رستاخیز از میوه‌های بهشت بدو بچشاند و هر مسلمانی که مسلمان تشنه‌ای را سیراب کند خداوند روز قیامت از شربت سر به مهر به او بنوشاند.» (پاینده، حدیث ۱۰۳۶)

همچنین در مورد رفع نیاز برادران دینی خویش می‌فرمایند:

«مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۲،

ص ۲۳۱)»

«هر که از پی حاجت برادر خویش باشد خدا از پی حاجت وی باشد.»

و در جایی دیگر می‌فرمایند:

«خَلْقَانِ يَحِبُّهُمَا اللَّهُ وَ خَلْقَانِ يَبْغُضُهُمَا اللَّهُ فَأَمَّا اللَّذَانِ يَحِبُّهُمَا اللَّهُ فَالسَّخَاءُ

وَ السَّمَاخَةُ وَ أَمَّا اللَّذَانِ يَبْغُضُهُمَا اللَّهُ فَسُوءُ الْخَلْقِ وَ الْبَخْلُ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ

بَعْدَ خَيْرٍ اسْتَعْمَلَهُ عَلَى قِضَاءِ حَوَائِجِ النَّاسِ (پاینده، حدیث ۱۴۵۴)»

«دو صفت را خدا دوست دارد، و دو صفت را دشمن دارد، دو صفتی که خدا دوست دارد

بخشش است و گذشت و دو صفتی که خدا دشمن دارد بدخویی و بخل است و همین

که خدا برای بنده‌ای نیکی خواهد وی را برای رفع حوائج مردم بکار می‌برد.»

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.»

(نوری، ج ۱۲، ص ۳۹۱)

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین اصول در برقراری روابط اجتماعی رعایت احترام و ارزش طرف مقابل است ما زمانی می‌توانیم از یک ارتباط موفق و سازنده برخوردار باشیم که برای طرف مقابل خود قابل احترام و اعتماد باشیم. و این اتفاق زمانی می‌افتد که ابتدا خود ما همین مسأله را در مورد مخاطبان رعایت کرده باشیم. وقتی ما بدون هیچگونه قید و شرطی سعی در رعایت حقوق مخاطب خویش داریم طرف مقابل ما نیز وقتی متوجه در نظر گرفتن این حقوق از جانب ما می‌شود، طبیعتاً اعتماد و احترام او نیز با ما متفاوت بوده و گرایش و پذیرش بیشتری نسبت به ما خواهد داشت. رعایت حقوق مطرح شده از

سوی نبی مکرم اسلام، در جامعه می‌تواند اثرات بسزایی در رشد و تعالی جامعه داشته باشد، ایجاد همدلی، صمیمیت، رعایت احترام متقابل و... که همه این موارد می‌تواند مسیر هموارتری را برای رشد و کمال در جامعه ایجاد نماید. همچنین با مقایسه اجمالی که بین مصادیق رعایت حقوق مخاطب در برابر رسانه‌ها با مصادیق رعایت حقوق مخاطب از منظر رسول اکرم ﷺ انجام می‌شود می‌توان به این نتیجه رسید که رسانه‌ها با رعایت این حقوق سعی در حفظ مخاطب برای خویش و منافع خویش (رسانه‌ها) دارند اما در آیین اسلام پیامبر گرامی اسلام با بیان رعایت این حقوق برای مخاطبین سعی در حفظ شأنیت، احترام و کرامت انسانی مخاطب برای خود مخاطب داشته است. چراکه انسان زمانی سعی در حفظ خویش از هرگناه و آلودگی دارد که در خود احساس ارزشمندی و عزت نفس داشته باشد و رعایت این حقوق برای مخاطب به ایجاد این احساس و باور کمک خواهد کرد. از این رو رعایت این حقوق به نفع مخاطب و ایجاد رشد و کمال برای مخاطب است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، مجتبی عراقی، اول، قم، دار سیدالشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق، ج ۱.
 ۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، اول، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ج ۱.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، علی اکبر غفاری، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
 ۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۱.
 ۶. امام علی بن موسی الرضا، صحیفه الامام الرضا، محمدمهدی نجف، چاپ اول، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
 ۷. برنجکار، رضا، علینقی خدیاری، انسان شناسی اسلامی، دفتر نشر معارف، چاپ یکم ۱۳۹۰.
 ۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۲.
 ۹. جمعی از محققان، سیره سیاسی پیامبر اعظم، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پاییز ۱۳۸۷.
 ۱۰. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، چاپ اول، قم، مدرسه الإمام المهدی، ۱۴۰۸ ق.
 ۱۱. رجبی، محمود، انسان شناسی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوازدهم، قم، تابستان ۱۳۸۸.
 ۱۲. رضایی، مهدی، زیستن با پیامبر (محور یابی سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم)، چاپ اول، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
 ۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیه المرید، رضا مختاری، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
 ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی، سید علی حسینی، چاپ اول، انتشارات اندیشه مولانا.
 ۱۵. قضاعی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم)، جلال الدین حسینی آرموی (محدث)، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.
 ۱۶. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی-الأصول و الروضة، ابوالحسن شعرانی، چاپ اول، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ ق، ج ۲.
 ۱۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰.
 ۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، مهدی رجائی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰، ص ۳۱۲.
 ۱۹. مرتضی، فرید، الحدیث، سه جلد، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۳.
 ۲۰. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵.